

آشنایی با هنرهای زیبای بوسنی و هرزگوین هنر در قلب اروپا

اشاره

حضور مسلمانان در قلب اروپا انتقال دهنده هنرهای اسلامی و تجسمی از پانصد سال پیش در آن سرزمین بوده است. گزارش زیر حاصل بازدید از دانشکده هنرهای زیبای ساریوو و نگاهی به هنر در بوسنی و هرزگوین است. این گزارش با هماهنگی رایزن فرهنگی ج.ا.ا در بوسنی و سازمان فرهنگ و ارتباطات فراهم آمده است. رشد آموزش هنر از آقایان علی اصغر عامری، صالحی و عسگری که زمینه مساعدی را برای گفت‌وگو و ارتباطات و تعامل با استادان و دانشجویان و بازدید از فعالیت‌های این دانشکده و سایر شهرها و مکان‌ها در بوسنی و هرزگوین فراهم آوردند، سپاسگزاری می‌کند.

دانشکده هنرهای تجسمی سارا یوو

این دانشکده با قدمت زیاد دارای رشته‌های مجسمه‌سازی، نقاشی، مرمت آثار تاریخی، خوشنویسی است. بخش درخور توجهی از دانشجویان این دانشکده در رشته آموزش هنر کار می‌کنند. در واقع، این رشته قرینه رشته تربیت دبیر هنر در کشور ماست. دانشجویان این رشته در ترم‌های اولیه با کلیات هنرها آشنا می‌شوند و سپس در سال‌های سوم و چهارم رشته مورد علاقه خود را به‌عنوان واحدهای تخصصی انتخاب می‌کنند. در کارهای عملی دانشجویان گرایش‌های قطاعی، انجام دادن تزیین روی چرم، و هنر سوخت و جلدهای لاک‌ی نیز دیده می‌شود. این دو گرایش بیشترین تأثیر را از هنرمندان ایران گرفته‌اند. مجسمه‌سازی در این دانشکده بیشتر حول محور ساخت تندیس‌ها و اندام انسان‌ها متمرکز بود. مواد اصلی مجسمه‌ها سنگ، گچ و چوب بود و دانشجویان با اشتیاق و علاقه فراوان به پردازش مجسمه‌های ساخته‌شده مشغول بودند. در آثار خوشنویسی موجود در رشته مرمت آثار تاریخی، قرآن‌های قدیمی هم از ایران و هم از عثمانی دیده می‌شد. وجود وقف‌نامه‌های قدیمی نیز جالب توجه بود؛ زیرا از همان پانصد سال پیش اکثر وقف‌نامه‌ها به سه زبان بوسنیایی، فارسی و ترکی نوشته می‌شده و این نکته نفوذ فرهنگ ایران را در سرزمینی که به «محل تلاقی فرهنگ‌ها» معروف است، نشان می‌دهد. در دیدار با «دکتر کاظم حاج ملیچ»، رئیس گروه هنرهای تجسمی و دانشجویان ایشان مشخص شد که نام‌برده اطلاعات خوبی از تاریخ خوشنویسی ایرانی و اسلامی دارد و در این زمینه دو کتاب نیز تألیف کرده و به چاپ رسانده است. یکی از این کتاب‌ها تحقیقی درباره «کاغذ ابرو باد» است که نمونه‌های زیبای آن تابلوهایی خیال‌انگیز بود. آخرین سفر ایشان به ایران مربوط به چند ماه قبل و حضور در جشنواره ابداع و نوآوری در هنر (دانشگاه هنرهای اسلامی



مقدمه

کشور بوسنی و هرزگوین با ۵۲ کیلومتر مربع وسعت و ۳,۵ میلیون نفر جمعیت از کشورهای کوچک حوزه دریای بالکان است. نیمی از جمعیت بوسنی را مسلمانان تشکیل می‌دهند و به‌همین‌سان، در تمام شئون زندگی آنان می‌توان تأثیر آموزه‌های اسلامی را مطالعه کرد. سارا یوو، مرکز این کشور، از دیرباز - یعنی از زمان یوگسلاوی سابق - مهد فرهنگ، هنر و موسیقی بوده است. این شهر پر از مسجد است و به‌همین‌سان، به آن «شهر هزار مسجد» نیز می‌گویند. بافت جنگلی و طبیعت سارا یوو یکی از جلوه‌های زیبای آفرینش است. دورتادور شهر را جنگل‌های سرسبز و انبوه احاطه کرده است. خانه‌های این فضای طبیعی و پرنقش‌ونگار و همچنین عبور رودها و نهرها و آبراه‌ها فضایی هنرپرور و خیال‌انگیز را رقم زده است تا هر هنرمند غوغای درون خویش را به نوک قلم‌مو و قلم‌نی و کاردک مجسمه‌سازی بسپارد.



تبریز) بوده است. ایشان اشاره داشت که مثنوی خوانی در تکایای بوسنی رواج دارد و هنگام سخن گفتن درباره تأثیر فرهنگ ایران، مجموعه مسجد و مدرسه و کتابخانه «غازی خسرو بیگ» را به عنوان مثال عینی مصرف کرد. این مسجد را معماری ایرانی به نام اسیرعلی در قرن یازدهم ساخته و سازنده که پدرش ایرانی بوده آن را وقف آموزش و تحصیل طلاب علوم دینی کرده است. نکته قابل توجه برای دبیران هنر این است که هر سرزمینی تولید و خلاقیت هنری خود را به شکل ذاتی و طبیعی بر داشته‌های سرزمینی و فرهنگ خود استوار می‌کند. در آثار هنری هنرمندان نقاشی و مجسمه‌سازی این تأثیر محیط را به وضوح می‌توان دید. مردم بوسنی از سه قوم صرب، کروات و مسلمان تشکیل شده‌اند و در مجموع نسبت به هنر نگاه کنجکاوانه و علاقه‌ای درخور توجه دارند. بازدید دائمی آن‌ها از نمایشگاه‌های هنری مؤید این نکته است که به رغم حضور در جامعه‌ای قومیت‌گرا، هنر زبان مشترک همه آن‌هاست. در عین حال، درسی که می‌توان از دیار چندپارچه و قومیتی‌شده بوسنی و هرزگوین گرفت، توجه به ارزش اتحاد، انسجام و هم‌بستگی ملی در کشور خودمان است. بر این نکته تأکید می‌شود که این هم‌بستگی عمیق اجتماعی و فرهنگی باید با زبان هنر و تولیدات هنری قوام و دوام یابد و هنر می‌تواند مقوم اصلی برای این یکپارچگی باشد. از دیگر شهرهای مهم بوسنی که عموماً مسلمان‌نشین است، شهر بیهاج در سیصد کیلومتری سارایوو است. طول مسیر سیصد کیلومتری تا عمق جنگل‌های دوردست را فضای سبز طبیعی پوشانده و در واقع شاهکار هنری اصیلی را نقاشی ازل با قلم‌موی زیبای خود نقش‌انداز تابلوی طبیعت کرده است. پاکیزگی محیط زیست بین‌راهی سرمشقی برای محیط زیست کشورمان است که چگونه مردمان کشوری کوچک در حفظ و حراست سرمایه‌های ملی خود کوشا و متفقد اند. مهم‌ترین مرکز

هنری در بیهاج «گالری گرادسکاست» که تمام نمایشگاه‌های هنری در آن تشکیل می‌شود. با هنرمندان خوشنویس (با گرایش ثلث) و نقاش (با گرایش رنگ‌روغن و آکرلیک) فرصت دیدار دست داد. بیشترین درون‌مایه هنرمندان نقاش، طبیعت‌گرایی و به تصویر کشیدن زیبایی‌های رود بسیار مهم بیهاج به نام «اونا» است. این رود شهر بیهاج را در بر گرفته و آن را به یک جزیره تبدیل کرده است. همچنین در مسیر و سیر طولانی خود با کوهستان و جنگل تلاقی یافته است و بهترین مناظر را برای لذت‌بردن تقدیم بینندگان خود می‌کند. در دهه گذشته، یکی از مهم‌ترین نقاشان بیهاج به نام «انور کورویچک» آثار خود را به گالری هنر تقدیم کرده و شهرداری بیهاج نیز برای حفظ این آثار نگارخانه‌ای را به آن‌ها اختصاص داده است. نکته جالب دیگر، وجود کتیبه‌های خط نستعلیق و نسخ در سردر یکی از مساجد بود. این کتیبه که در سال ۱۲۳۲ ه. ق. روی سنگ حجاری شده، مربوط به دوره تعمیر و بازسازی مسجد فتحیه بیهاج است. دیدن کتیبه نستعلیق ایرانی در قلب اروپا بسیار شوق‌انگیز و شعف‌آور است. آنچه آمد کندوکاوی گذرا بر مقوله هنر در سرزمین بوسنی و هرزگوین بود. به طور حتم، جلوه‌های هنری آن دیار با دقت و تأمل بیشتر در گفت‌وگو با صاحب‌نظران و هنرمندان بیشتر از موارد پیش گفته آشکار می‌شود.

**نکته قابل توجه
برای دبیران هنر
این است که هر
سرزمینی تولید
و خلاقیت هنری
خود را به شکل
ذاتی و طبیعی
بر داشته‌های
سرزمینی و
فرهنگ خود
استوار می‌کند**